



## اصول و قواعد بنیادین در تحلیل‌های امنیتی؛ مطالعه موردی - تحلیل تهدید رژیم صهیونیستی علیه ایران

محمد زارعی<sup>۱</sup>

### چکیده

شناخت ماهیت تهدید در این راستا بسیار مهم است که بتوان آن را کنترل و مهار کرد. با توجه به گونه‌شناسی تهدیدات امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، تهدید رژیم صهیونیستی علیه ایران و تحلیل صحیح این تهدید بر اساس شناخت درست و عمیق از این پدیده، از جایگاه بسزایی برخوردار است. بسیاری از کارشناسان و تحلیلگران داخلی و خارجی، سطح دشمنی اسرائیل با ایران و تهدید این رژیم را بسیار تنزل داده و به مباحث مطروحه در عالم سیاست مرتبط می‌دانند. این نوع از تحلیل، دشمنی موجود میان این رژیم و ایران را در سطح ابزاری القامی کند. ولی باید توجه داشت که مسئله از ایدئولوژی صهیونیسم و انقلاب اسلامی کلید خورده است. در واقع تقابل ایران و اسرائیل هویت خاص خودش را دارد که حداقل در منطقه خاورمیانه سابقه‌ای برایش مشاهده نمی‌شود. به این شکل که این تقابل فقط در منافع ملی و یا خواست افکار عمومی محدود نمی‌شود بلکه انگیزه‌های بالاتر وجود دارد که یک انگیزه ایدئولوژیک است که نشأت گرفته از ماهیت و ذات وجودی دو طرف است. بر همین اساس، تهدید هر یک از دو طرف برای دیگری نیز از سنخ بسیار متفاوتی قلمداد می‌شود. در این مقاله، با استفاده از روش تجزیه و تحلیل داده‌ها و منابع کتابخانه‌ای، ایدئولوژی برآمده از انقلاب اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی و همچنین تقابل هویتی این دو بررسی می‌گردد و به تبیین مفهوم شناسی جدیدی از تهدید رژیم صهیونیستی علیه ایران می‌پردازیم.

**واژگان کلیدی:** اصول و قواعد تحلیل، تحلیل امنیتی، تهدید، تهدید رژیم صهیونیستی، جمهوری اسلامی ایران

۱. دانش آموخته دکتری امنیت ملی دانشگاه عالی دفاع ملی (نویسنده مسئول)

mzh.researcher@gmail.com



## **Fundamental Principles and Rules in Security Analysis: Case Study - Analysis of the Israel Threat against Iran**

*Mohammad Zarei<sup>1</sup>*

### **Abstract**

Understanding the nature of a threat in this regard is very important in order to be able to control and contain it. Considering the typology of threats to the national security of the Islamic Republic of Iran, the threat of the Israel against Iran and the correct analysis of this threat based on an appropriate and deep understanding of this phenomenon have a significant position. Many domestic and foreign experts and analysts have greatly reduced the level of Israel's hostility to Iran and the threat of this regime and consider it related to the issues raised in the world of politics. This type of analysis induces the existing hostility between this regime and Iran at an instrumental level. However it should be noted that the issue is triggered by the ideology of Zionism and the Islamic Revolution. In fact, the confrontation between Iran and Israel has its own unique identity, which has no precedence in the Middle East, at least. In this way, this confrontation is not limited to national interests or the will of public opinion, but there is a higher motivation, which is an ideological motivation that stems from the nature and existential essence of both sides. In this article, using the method of data analysis and library resources, the ideology arising from the Islamic Revolution of Iran and the Israel, as well as the identity confrontation between the two, are examined, and we explain a new conceptualization of the Israel's threat against Iran.

**Keywords:** Principles and rules of analysis, security analysis, threat, threat of the Israel, Islamic Republic of Iran

---

1. Ph.D Graduate in Security, National Defense University (Writer-in-Charge)  
mzh.researcher@gmail.com



## مقدمه

رژیم صهیونیستی در بدو پیدایش بر اساس دکترین پیرامونی بن‌گوربون، اولین نخست‌وزیر اسرائیل، بر این باور بود که باید با ترکیه، ایران و اتیوپی به نوعی اتحاد دست یابد که بتواند منافع خود به ویژه امنیت اسرائیل در مقابل تهدیدات کشورهای عربی را حفظ نماید. بر همین اساس، قبل از انقلاب اسلامی و سرنگونی حکومت پهلوی، ایران با اسرائیل رابطه دیپلماتیک، اقتصادی و امنیتی داشت. مناسبات شاه پهلوی با این رژیم تا سرنگونی او هر چند به شکل تقریباً مخفی اما مستحکم و پا بر جا باقی ماند.

اما بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، خصومت آشکار به سبب هویت این انقلاب و همچنین روح آزادی‌خواهی آن، میان دو کشور آغاز گردید که هم اکنون نیز ادامه دارد. جمهوری اسلامی ایران روابط خود را با اسرائیل قطع و اعلام نمود این کشور غاصب و غیرمشروع بوده و باید از صفحه روزگار محو گردد. سیاست خارجی ج.ا.ایران بر اساس اعتقاد به اینکه فلسطین توسط اسرائیل به اشغال درآمده و حقوق آنان پایمال شده است، اسرائیل خطر جدی برای کشورهای اسلامی منطقه و همچنین بقیه کشورهاست، و اسرائیل رژیمی توسعه‌طلب بوده و به دنبال ایجاد اسرائیل بزرگ از نیل تا فرات است، بنیان گذاشته شد.

از سوی دیگر، آغاز روند مذاکرات صلح مادرید میان اسرائیل و مصر در سال ۱۹۹۱ میلادی، امضای قرارداد صلح اسلو میان سازمان آزادیبخش فلسطین و اسرائیل در سال ۱۹۹۳ میلادی، امضای قرارداد صلح میان اسرائیل و اردن موسوم به «وادی عربی» در سال ۱۹۹۴ میلادی، سیاست خارجی ایران را با یک چالش جدی مواجه ساخت. تا این زمان به سبب وضعیت خصمانه میان اغلب کشورهای عربی و اسلامی و اسرائیل، مخالفت ایران با این رژیم طبیعی می‌نمود اما روند صلح، این شبهه را در عرصه منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای مطرح کرد که ج.ا.ایران با صلح مشکل دارد و صلح جو نیست. اهمیت این مسئله زمانی بیشتر مشخص می‌گردد که به این نکته توجه نماییم که یکی از دلایل تنش آمریکا و اروپا با جمهوری اسلامی ایران، دشمنی ایران با رژیم صهیونیستی است. با توجه به تفاسیر مذکور، مطابق دیدگاه رژیم صهیونیستی نیز، ایران مهمترین تهدید نسبت به امنیت این رژیم بوده و نگرانی عمده‌ای نسبت به دسترسی ایران به سلاح‌های هسته‌ای، موشک‌های بالستیک و ... ابراز می‌دارد. علاوه بر این، این دیدگاه بر این باور است که ایران جنگ با اسرائیل را از طریق حزب‌الله لبنان، جهاد اسلامی و حماس در غزه و ... پیش می‌برد.

این روند منازعه میان ج.ا.ایران و رژیم صهیونیستی طی بیش از چهار دهه اخیر، باعث شده است



که تحلیل برخی از کارشناسان و تحلیلگران در درون ایران، مبتنی بر این باشد که باید دشمنی با این رژیم را کاهش و خصومت با آن را در چنین سطحی نگه نداشت و نازل داد؛ زیرا این دشمنی با موازین بین‌المللی، منافع ملی و تا اندازه‌ای افکار عمومی ایران منافات دارد و ایران را در تمامی عرصه‌های سیاسی (داخلی و خارجی)، اقتصادی، امنیتی و ... در تنگنا قرار می‌دهد. اما باید توجه داشت که این نوع تحلیل، به دلیل عدم شناخت نسبت به ذات و ماهیت پدیده‌ای همچون رژیم صهیونیستی است. در این راستا باید در وهله اول نسبت به این پدیده امنیتی که تهدیدی مستمر علیه ج.ا.ایران قلمداد می‌شود، شناخت صحیح و واقعی کسب کرد و سپس بر اساس این شناخت، این رژیم را بر اساس اصول و قواعد مربوطه تحلیل کرد.

با توجه به توضیحاتی که ذکر شد، این مقاله تلاش دارد تا از روش توصیفی - تحلیلی و منابع کتابخانه‌ای و از طریق اصول تهدید شناسی در تحلیل‌های امنیتی، تهدید رژیم صهیونیستی برای ایران را ترسیم و تصویر کرده و به این سؤال اصلی پاسخ دهد که «آسیب‌های اصول و قواعد تحلیل‌های امنیتی در مورد رژیم صهیونیستی و تهدیدات آن علیه ج.ا.ایران چیست؟» فرض بر این است که «آسیب‌های عمده تحلیل‌های امنیتی پیرامون رژیم صهیونیستی و تهدیدات آن علیه ج.ا.ایران عبارتند از: عدم دانش و شناخت تحلیلگر یا شخص تحلیل‌کننده، پنهان‌کاری و بیان ناقص تحلیل، فاقد قابلیت امنیتی و جامعیت تحلیل، ایدئولوژی‌زدایی از یک پدیده و تهدید ایدئولوژیک و ...». در این راستا، دو سؤال فرعی نیز برای مساعدت به پاسخ سؤال اصلی مطرح می‌شود که به شرح ذیل است:

۱- اصول تهدید شناسی در تحلیل‌های امنیتی چگونه است؟

۲- نوع تهدید رژیم صهیونیستی برای ایران چیست؟

### ۱- پیشینه شناسی تحقیق

در راستای عنوان مقاله و یا موضوع «تهدید رژیم صهیونیستی علیه ج.ا.ایران»، برخی مقالات به زبان فارسی وجود دارد که به شرح جدول ذیل است.



جدول شماره ۱: پیشینه‌شناسی تحقیق (مشخصات مقالات)

ردیف	مشخصات مقالات
۱	<b>عنوان مقاله:</b> استراتژی تهدید وجودی اسرائیل و امنیت ملی ایران
	کیهان برزگر و مهدی قاسمی - ۱۳۹۲ - فصلنامه علمی روابط خارجی، سال پنجم، شماره اول.
	<b>سؤال مقاله:</b> اهداف اسرائیل از طرح استراتژی «تهدید وجودی» چه می‌باشد و پیامدهای این استراتژی برای امنیت ملی ایران چیست؟
	<b>روش اجرای مقاله:</b> توصیفی - تحلیلی
۲	<b>نتایج مقاله:</b> بزرگ‌نمایی تهدید برنامه هسته‌ای ایران و ارتباط دادن آن به مسئله تهدید وجودی، بیشتر سیاستی برای کنترل و مهار ایران و ایجاد بازدارندگی در مقابل افزایش نقش و قدرت منطقه‌ای آن است که خود باعث تنزل جایگاه و نقش رژیم اسرائیل در خاورمیانه می‌شود. مقاله برای آزمون این فرضیه از ترکیبی از نظریه‌های سازه‌نگاری و نئورئالیستی استفاده می‌کند. سازه‌نگاری مباحث ارزشی و هویتی را منشا عملکرد دولت‌ها در روابط خود با دیگران می‌داند، اما رویکردهای امنیتی نظریه نئورئالیسم شامل رئالیسم تهاجمی و رئالیسم تدافعی، به ترتیب افزایش قدرت نسبی و امنیت نسبی را ملاک عمل دولت می‌دانند. نتیجه پژوهش این است که این سیاست علاوه بر کمک به برخی از اهداف داخلی در اسرائیل و توجیه کمک‌های امریکا، برنامه‌ای است برای مهار و بازدارندگی ایران که باعث شکست انحصار هسته‌ای و تنزل جایگاه اسرائیل در خاورمیانه شده است.
	<b>عنوان مقاله:</b> گونه‌شناسی تهدیدهای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران
	ابراهیم متقی، پاییز ۱۳۸۹، فصلنامه آفاق امنیت، سال سوم، شماره هشتم.
	<b>سؤال مقاله:</b> ویژگی‌های تهدیدهای اصلی فراروی جمهوری اسلامی ایران در سال‌های اولیه انقلاب و دوران جنگ تحمیلی چیست و اینکه در چه شرایط تاریخی - ساختاری شکل گرفته و چگونه مدیریت شده است؟
<b>روش اجرای مقاله:</b> روش شناسی تاریخی - ساختاری	
	<b>نتایج مقاله:</b> بررسی تهدیدهای انجام شده علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد تهدیدها در مرحله اول ماهیت سخت افزاری داشته و به تدریج با تغییرات ماهیتی، کارکردی و نشانه‌ای روبرو شده است. تهدیدهای سخت افزاری به منظور مقابله با ساختار سیاسی ایران انجام گرفته است. در مرحله دوم، تهدیدهای امنیت ملی ماهیت نرم افزاری دارد و معطوف فرسایش قدرت ملی ایران است. نشانه‌های تهدید سخت افزاری که در کودتای نوژه و جنگ تحمیلی عراق علیه ایران نمود یافته، به اقدامات محدودکننده علیه ایران در سیاست بین الملل مربوط می‌شود. فرآیند یادشده نشان می‌دهد در هر دوران تاریخی، شکل خاصی از تهدیدهای امنیتی علیه ساختار سیاسی ایران وجود داشته است.



<b>عنوان مقاله:</b> تهدیدات اسرائیل و راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در مقابله با آن	۳
امید جعفرزاده و احمد آذین و مسعود جعفری‌نژاد، زمستان ۱۳۹۷، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، شماره ۴۵، دوره ۱۴.	
<b>سؤال اصلی:</b> راهبردهای نرم‌افزاری ج.ا.ایران در جهت مقابله با تهدیدات رژیم صهیونیستی کدام است؟	
<b>روش اجرای مقاله:</b> توصیفی - تحلیلی	
<b>نتایج و یافته‌ها:</b> جمهوری اسلامی ایران به منظور ایفای نقش و بهره‌گیری از فرصت‌ها و چالش‌های موجود و با توجه به پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های ساختاری قدرت خود باید قدرت خود را به خصوص در بعد نرم‌افزاری افزایش دهد تا بتواند هر چه بیشتر به مقابله با تهدیدات رژیم صهیونیستی بپردازد. در بعد نرم‌افزاری، مهم‌ترین مؤلفه‌های تأثیرگذار عبارت بودند از: تأثیر انقلاب اسلامی در سطح خرد، تأثیر انقلاب اسلامی در سطح کلان، موقعیت راهبردی ایران، ارتباط منطقه‌ای و بین‌المللی.	

### ۱-۱- نکات اشتراک و افتراق با مقاله:

با عنایت به پیشینه‌های مذکور، پیشینه‌های بررسی شده دارای برخی وجوه اشتراک همچون بررسی تهدیدات اسرائیل علیه ج.ا.ایران و نوع تهدید این رژیم است که بعضاً در متن مقاله نیز از برخی آنها استفاده شده است. اما اهداف، سؤالات و نتیجه‌گیری آنها دارای تفاوت‌های بسیار واضحی با موضوع مقاله پیش‌رو هستند.

### ۱-۲- نوآوری این مقاله نسبت به پیشینه‌ها:

پیاده کردن اصول و قواعد تحلیل پدیده‌های امنیتی بر پدیده‌ای همچون رژیم صهیونیستی و تهدیدات آن علیه ج.ا.ایران، نوآوری ویژه این تحقیق است. در این تحقیق برای اولین بار، با استفاده از اصول و قواعد تحلیل‌های امنیتی، تهدید رژیم صهیونیستی علیه ج.ا.ایران به عنوان یک تهدید چند بعدی و ویژه مورد تحقیق و بررسی قرار می‌گیرد و سپس آسیب‌های این تحلیل مورد ارزیابی قرار گرفته و در نهایت تحلیل صحیح این نوع پدیده‌های امنیتی مور مذاقه قرار می‌گیرد.

### ۲- چارچوب مفهومی و مبانی نظری

اگر بخواهیم «تهدید رژیم صهیونیستی علیه ج.ا.ایران» را به عنوان یک پدیده امنیتی مورد



ارزیابی و تحلیل صحیح قرار دهیم، می‌بایست در ابتدا «تهدید» و «تهدیدشناسی» به عنوان یک چارچوب مفهومی بحث و بررسی شود. از همین رو، «اصول تهدیدشناسی در تحلیل‌های امنیتی» به عنوان چارچوب مفهومی این طرح، تهدید را در ابعاد، سطوح و انواع مختلف تجزیه و تحلیل می‌کند. سپس آراء مکاتب و نظریه‌های امنیتی در مورد تهدید و تهدیدشناسی مورد بحث قرار خواهد گرفت.

## ۲-۱- اصول تهدیدشناسی در تحلیل‌های امنیتی:

«تهدید» (Threat) از نظر لغوی به معنای ترسانیدن و بیم دادن است و از نظر اصطلاحی عبارت است از «توانایی‌ها، نیت و اقدامات دشمنان بالفعل و بالقوه برای ممانعت از دستیابی موفقیت آمیز به علائق و مقاصد امنیت ملی یا مداخله به نحوی که نیل به این مقاصد به خطر بیفتد.» به عبارت دیگر، «تهدید یک خطر بالقوه است که هنوز محقق نشده و صرفاً در حد یک ایده می‌باشد.» یا به عبارتی، «تهدید شرایطی است که در آن ارزش‌های بنیادین، منافع حیاتی و سرزمین یک ملت به مخاطره می‌افتد.» (عبدالله خانی، ۱۳۸۶: ۹۰) بر همین اساس، شناخت دقیق عواملی که موجودیت، امنیت و منافع کشورها را به خطر می‌اندازد، از اهمیت وافری برخوردار است که به این عوامل «تهدید» اطلاق می‌شود. لذا تهدیدات به راحتی می‌توانند مانع حرکت عمومی یک جامعه به سوی پیشرفت باشند.

تهدید در هر بُعد و شکل، یک هدف اساسی را دنبال می‌کند که عبارت است از: «تحمیل اراده بر هدف». بر همین اساس، مؤلفه‌ها، ویژگی‌ها، عناصر و سطوح تهدید به شرح جدول ذیل می‌باشد:



### جدول شماره ۲: مؤلفه‌ها، ویژگی‌ها، عناصر و سطوح تهدید

<b>مؤلفه‌های تهدید</b>	- فاعل خارجی دارد. (دشمن) - نیت خصمانه وجود دارد. - از خارج اعمال می‌شود. - خارج از کنترل مستقیم است. - پروتکل برخورد با آن مبتنی بر مقابله است. - تمام ویژگی‌های جنگ در مورد آن صدق می‌کند. - ناشی از قصد و اقدام دشمن است و بیشتر بر آسیب سوار می‌شود. (احمدیان، ۱۳۹۴: ۹-۳۹).
<b>ویژگی‌های تهدید</b>	شدت، عمق، قابلیت، دیرینگی، هم افزایی، جهت، تکرار پذیری، مدیریت و شکل. (رویکردهای نوین تهدید شناسی: <a href="http://www.paydarymelli.ir">www.paydarymelli.ir</a> )
<b>عناصر تهدید</b>	عامل تهدید، ابزار تهدید، هدف مورد تهدید (اسکندری، ۱۳۹۰: ۱۱).
<b>سطوح تهدید</b>	درون ساختاری (داخلی)، منطقه‌ای و بین المللی (متقی، ۱۳۸۹: ۱۲).

بحث از امنیت و امنیت ملی همواره با موضوع "تهدید" همراه است و نمی‌توان از تهدید سخن به میان آورد ولی امنیت ملی و تأثیر آن را نادیده گرفت. اما تهدید، بیشتر به عنوان یک شاخص در شناساندن امنیت مد نظر بوده است تا اینکه به صورت مستقل، مورد بحث و بررسی قرار گیرد؛ به گونه‌ای که به واسطه آن، امنیت به عنوان نبود تهدید تعریف شده است. تبارشناسی و معنا شناسی مقوله "تهدید" می‌تواند این پدیده را در عرصه مطالعات امنیتی کاملاً برای مخاطب جا بیاندازد. در همین راستا، مفهوم تهدید در برخی مطالعات و مکاتب امنیتی به شرح جدول ذیل است: (عبدالله خانی، ۱۳۸۳: ۲۵-۱۲۰)





## جدول شماره ۳: مفهوم تهدید در مطالعات و مکاتب امنیتی

مکتب امنیتی	دیدگاه نسبت به تهدید
کپنهاگ	“باری بوزان” و “آل ویور” از پایه گذاران این مکتب، به جای تبیین مفهوم امنیت بر اساس قدرت - امنیت به مفهوم امنیت بر اساس تهدید - امنیت می‌پردازند. بر این اساس، امنیت، رهایی از تهدید است.
جهان سوم	در این مکتب، امنیت ملی بر اساس سه مولفه اصلی محیط امنیتی، ابعاد سخت افزاری امنیت و ابعاد نرم افزاری امنیت است. محیط امنیتی محل رویش و پیدایش تهدیدات و فرصت‌ها، ابعاد سخت افزاری شامل توانمندی‌های فیزیکی و مادی و ابعاد نرم افزاری شامل “ظرفیت سیاسی” و زیر مجموعه‌های مربوط می‌گردد.
سازه انگاری	شناخت تهدید در این مکتب، مستلزم آگاهی از معرفت‌شناسی آنهاست. “هویت” و “هنجارها” دو مفهوم اساسی در این مکتب است.

البته باید توجه داشت که تهدید و تهاجم در بسیاری از مکاتب، ارتباط بسیار نزدیکی با هم دارند. هر تهدیدی در حقیقت برابر است با یک تهاجم بالقوه. تهاجم یعنی از بالقوه به بالفعل در آمدن تهدید که در سه سطح راهبردی، عملیاتی و تاکتیکی قابل تعریف است (اسکندری، ۱۳۹۰: ۱۱). در مقوله پایدار سازی شناختی در امنیت در روش شناخت و تحلیل پدیده‌های امنیتی نیز، برای عمومیت سازی امنیت و تبدیل آن به فرهنگ، بایستی توسعه و نهادینه سازی ابزارهای شناخت امنیت مدنظر قرار گیرد که مهمترین آن، تهدید شناسی (دشمن شناسی) است. لذا شناخت تهدید در تحلیلهای امنیتی، به مثابه چراغ راهی است که در صورت نبود آن، تحلیل از مسیر صحیح خود منحرف خواهد شد.

## ۲-۲- رتبه‌بندی تهدیدات:

تهدیدات نیز همانند سایر پدیده‌ها، در مقام تقسیم بندی و رتبه بندی، تابع معیارهایی هستند که با عنایت به آنها سنجیده می‌شوند. در جدول ذیل، شاخص‌ها و معیارهایی که گونه‌های تهدیدات بر اساس آن مطرح است، ذکر شده است:



جدول شماره ۴: گونه‌های تهدید بر اساس معیارها (افتخاری، ۱۳۸۵: ۱۵۹-۲۴۵)

معیار	گونه (تهدید)
بُعد	<p>۱- سیاسی: تهدید سیاسی متوجه ثبات سازمانی است. از نظر باری بوزان و رابرت ماندل، هر تهدیدی که به نوعی با هویت، موجودیت یا منافع دولتی خاص مرتبط باشد، تهدیدی سیاسی ارزیابی می‌شود.</p> <p>۲- اقتصادی: تهدیدات اقتصادی در دو حوزه اصلی «تولید» و «توزیع» تعریف می‌شود. در تولید، تهدید متوجه افزایش میزان تولید متناسب با نیازهای عمومی است. تهدیدات در توزیع نیز عبارت است از تحت الشعاع قرار دادن برابری فرصت در دستیابی به امکانات.</p> <p>۳- اجتماعی: در قلمرو حیات جمعی، افراد و گروه‌های اجتماعی با پاره‌ای از مسائل مواجه می‌شوند که امکان زندگی آرام و اطمینان بخش را از آنها سلب می‌نماید. این مسائل را تهدیدات اجتماعی می‌گویند.</p> <p>۴- نظامی: تهدیدی که با استفاده از زور برای دستیابی به اهداف بازیگر در عرصه سیاست عملی دلالت دارد و غالباً با «جنگ» یاد می‌شود.</p> <p>۵- زیست محیطی: عبارت است از تهدیداتی که از ناحیه سیاست‌های اقتصادی انسان در بستر طبیعت شکل گرفته و به صورت فزاینده‌ای ابعاد مختلف زندگی سالم انسان را روی کره زمین تهدید می‌نماید.</p> <p>۶- فناوریانه: تهدیدات فناوریانه در سه دسته تهدیدات ابزاری، رفتاری و مدیریتی در چهار سطح سخت‌افزاری، نرم‌افزاری، انسان‌افزاری و سازمان‌افزاری تعریف می‌شود.</p>
سطح	<p>۱- فردی: تهدیداتی که مرجعیت آنها فرد است نه دولت.</p> <p>۲- گروهی: تهدیداتی که هویت جمعی را هدف قرار داده و تضعیف یا زوال آن را در پی دارد.</p> <p>۳- ملی: تهدیدات مربوط به قلمرو، تمامیت ارضی، حاکمیت ملی، انسجام ملی، جمعیت و نهادهای هدایت‌گر.</p> <p>۴- منطقه‌ای: تهدیدات مشترک مد نظر در تشکیل مجموعه‌های امنیتی که نه فقط با محدوده جغرافیایی بلکه متناسب با علایق امنیتی فهم و درک می‌شود.</p> <p>۵- بین‌المللی: تهدیداتی که با ماهیت نظام بین‌الملل به صورت مستقیم و غیرمستقیم سر و کار دارد و دغدغه عمده کشورها و یا حداقل دغدغه قدرتهای برتر است.</p>
جغرافیا	<p>۱- داخلی: تهدیداتی که در آنها کانون تولیدکننده تهدید در داخل مرزهای ملی قرار دارد.</p> <p>۲- خارجی: تهدیداتی که در آنها کانون تولیدکننده تهدید در ورای مرزهای ملی قرار دارد.</p>



<p>۱- <b>مقارن:</b> تهدیدی که به صورت مؤثر در موضوعی واحد، از ناحیه دو بازیگر (قوی و ضعیف) بر ضد دیگری، امکان عملی نداشته باشد.</p> <p>۲- <b>نامتقارن:</b> تهدیداتی که بازیگران ضعیف‌تر از حیث برآورد راهبردی، قادر به تولید آنها بر ضد بازیگران قویتر از حیث برآورد راهبردی می‌باشند؛ در حالی که بازیگر قویتر بنا به دلایل متعدد از تولید آنها بر ضد بازیگر ضعیفتر عاجز است.</p>	<p><b>تقارن</b></p>
<p>۱- <b>بسیط:</b> تهدیداتی که به دلیل وضوح کانون‌ها و علل آنها، قابل قراردادن درون قواعد مشخص و واحدی هستند.</p> <p>۲- <b>مرکب (پیچیده):</b> اگر درک تهدید منوط به آشنایی با منطق‌های مختلف باشد، به صورتی که همزمان یا در طول یکدیگر عمل کنند تا در نهایت تأثیرگذار باشند، تهدید پیچیده یا مرکب است.</p>	<p><b>پیچیدگی</b></p>
<p>۱- <b>مادی:</b> تهدیداتی که مرجع آنها را منافع قابل درک در سطح جهان ماده شکل می‌دهد.</p> <p>۲- <b>معنوی:</b> تهدیداتی که مرجع آنها را منافع و اصول مرتبط با حیات بازیگر - اعم از جهان ماده و جهان غیب - تشکیل می‌دهد.</p>	<p><b>هویت</b></p>
<p>۱- <b>عینی:</b> تهدیداتی که با استفاده از ابزارها و منابع قابل مشاهده، تولید و اعمال می‌شوند مانند کاربرد توان نظامی.</p> <p>۲- <b>ذهنی:</b> تهدیداتی که آثار و نتایج ذهنی آن مدنظر است و با عنوان جنگ‌های روانی شناخته می‌شود. در این راستا، مفهوم «احساس تهدید» تولید می‌شود.</p>	<p><b>جنس</b></p>
<p>۱- <b>بازیگران:</b> این تهدیدات ناشی از اغراض خاص یک بازیگر نسبت به دیگر بازیگران است.</p> <p>۲- <b>ساختارها:</b> این تهدیدها ریشه در سازماندهی ساختاری موقعیت‌ها و پدیده‌ها دارند مانند ترورهای سازمان‌یافته.</p>	<p><b>کانون</b></p>
<p>۱- <b>طبیعی:</b> تهدیداتی که از وقوع رخداد‌های طبیعی بوجود می‌آید، دشمنی، کینه و اراده آدمی در آن نقش ندارد و انسان ساخت نمی‌باشد؛ مانند طوفان، سیل، زلزله و ...</p> <p>۲- <b>غیرطبیعی:</b> تهدیداتی که رخداد‌های آن از تفکر آدمی باشد، دشمنی، کینه، اراده و فناوری در آن وجود دارد و انسان ساخت می‌باشد؛ مانند تهدیدات سخت یا نظامی، تهدیدات مردم محور و تهدیدات فناوری پایه.</p>	<p><b>ماهیت</b></p>
<p>۱- <b>عمدی:</b> تهدیداتی که بر رفتار هدفمند بازیگر استوار هستند مانند تصمیم یک کشور برای حمله به کشوری دیگر.</p> <p>۲- <b>غیر عمدی:</b> تهدیداتی که ناظر بر نبود «عصر انگیزه اولیه» در تولید تهدید است مانند تهدیدات طبیعی.</p>	<p><b>انگیزه</b></p>



اما علاوه بر تهدیدات ذکر شده در جدول فوق، نوعی از تهدید وجود دارد که فراتر از همه تهدیدات مذکور می‌باشد و از نظر اهمیت و جایگاه راهبردی، در رتبه اول قرار دارد. این نوع از تهدید، «تهدید وجودی» نام دارد. تهدید وجودی عبارت است از هر گونه خطر و تهدید علیه امنیت، بقا و موجودیت یک کشور. (برزگر و قاسمی، ۱۳۹۲: ۱۷۳) به عبارتی، تهدید وجودی بزرگترین مسئله برای هر کشوری بوده و هست و باعث می‌شود تا آن کشور تمامی قوا و توانش را به منظور مقابله با آن به کار گیرد.

مکتب کپنهاگ از مفهوم تهدید وجودی به عنوان مفهومی کانونی برای بررسی‌های امنیتی استفاده می‌کند. این مفهوم، ناظر بر تهدیدهایی است که موجودیت یک چیز یا پدیده را به مخاطره می‌اندازد و آن را با خطر اضمحلال، تخریب یا آسیب جدی روبرو می‌کنند. مکتب کپنهاگ بر اساس مفهوم تهدید وجودی، موضوع یا هدف مرجع امنیت در بخش‌های پنج‌گانه را تعیین می‌کنند. در این مکتب، هدف مرجع امنیت برای مشخص کردن تهدید وجودی در هر یک از ابعاد پنج‌گانه امنیتی (نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی) مشخص می‌شود (نیکو و سویلمی، ۱۳۹۶: ۱۴۰ - ۱۴۱).

در راستای تهدید وجودی، نوعی تهدید با عنوان «تهدید هویتی» نیز مطرح می‌شود که می‌توان این نوع از تهدید را همان تهدید وجودی قلمداد کرد؛ زیرا هویت هر پدیده همان وجود آن است و اگر هویتش مورد تهدید قرار گیرد، یعنی وجود آن در معرض تهدید است. بر همین اساس، نگاه به تهدید از دو منظر مورد توجه قرار می‌گیرد: ۱- رویکرد مقطعی ۲- رویکرد هویتی. تهدید شناسی باید از هر دو رویکرد انجام شود و منظور از یکی، نفی دیگری نیست اما زاویه تفکر هویتی، ضروری و لازم و پایه است و رویکرد مقطعی برای کوتاه مدت مورد استفاده قرار می‌گیرد. برای نمونه، پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و اعلام مواضع اصولی انقلاب، و شکل‌گیری جبهه جدید در منطقه (و بعضاً در جهان) با محوریت تفکر مبارزه با سلطه‌پذیری با عنوان «مقاومت»، تهدیدی جدید و جدی از سوی غرب به رهبری آمریکا علیه ج.ا.ایران شکل گرفت. این نوع تهدید به لحاظ مبنایی به صورت جنگ هویتی میان دو طرف درگیر تعریف شده است. با توجه به این تفاسیر، رویکرد انقلاب اسلامی و ج.ا.ایران در تهدید شناسی، از منظر هویتی است. در این راستا، شناخت دشمن اعم از هویت، رفتار و ابزارهای آن لازم و ضروری است.

در کنار تهدید وجودی و تهدید هویتی، نوعی از تهدید مطرح می‌شود که از نظر مفهومی و ذات

## 1. Existential Threat



پدیده تهدید، بسیار نزدیک به این دو نوع از تهدید است. این تهدید، «تهدید ایدئولوژیک» نامیده می‌شود که دارای مظاهر و مصادیقی است اما مهمترین مؤلفه آن، در عرصه تقابل با ایدئولوژی یک فرد، گروه و یا دولت - ملت تعریف می‌شود. در عرصه تهدید شناسی، تهدید هویتی صهیونیست‌ها برای ایران، به نوعی تهدید ایدئولوژیک نیز نامیده می‌شود، چون در تقابل با ایدئولوژی انقلاب اسلامی قرار گرفته است.

با توجه به تفاسیر مذکور، پرسش از تهدید و رتبه بندی آنها، از مؤلفه‌های اصلی مطالعات امنیتی همه دولت‌ها از جمله ج.ا.ایران می‌باشد و با توجه به تحولات جهانی و پیچیدگی جوامع، تعاریف جدید و متفاوتی از آن ارائه گردیده است که در این مقاله با اشاره به تعریف تهدید و ابعاد آن، اصول تهدیدشناسی مورد بحث و بررسی قرار گرفته و تهدیدات تا حد ممکن دسته بندی و رتبه بندی شده است.

### ۳- روش‌شناسی تحقیق

تحقیق حاضر از نوع کاربردی - توسعه‌ای است. کاربردی بدان دلیل که با استفاده از نتایج این مقاله، تهدید رژیم صهیونیستی علیه ایران به عنوان یک پدیده امنیتی بسیار مهم، دارای چارچوب شده و در نهادهای ذیربط و همچنین جامعه علمی و نخبگی ایران مورد استناد و حتی بهره‌برداری قرار خواهد گرفت، و از آن جهت که به توسعه علوم امنیتی در عرصه تحقق منافع ملی و امنیت ملی می‌پردازد، توسعه‌ای به شمار می‌رود.

روش شناسی این تحقیق از نوع توصیفی - تحلیلی است؛ به این شکل که با تحلیل و بررسی تهدید رژیم صهیونیستی برای ایران، نوع و سطح این تهدید مشخص شده و در مرحله بعد، این تهدید امنیتی بر اساس اصول و قواعد تحلیل امنیتی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. از سوی دیگر، از جهت این که تحقیق، در زمینه تحلیل تهدید رژیم صهیونیستی علیه ایران به عنوان یک مطالعه موردی در نظر گرفته شده است، روش تحقیق زمینه‌ای - موردی است.

### ۴- نوع تهدید رژیم صهیونیستی برای ایران

در رویکرد تهدید محور، محور اصلی "تهدید" است و به همین دلیل در این رویکرد، دشمن شناسی به عنوان فرآیندی کلیدی نقش آفرینی می‌کند. به کارگیری این فرآیند برای ج.ا.ایران، که از جمله کشورهایی است که به دلیل نوع ایدئولوژی خاص و متفاوت خود، در معرض تهدیدات



متنوع و متعدد قرار دارد، از ضروری‌ترین امور است؛ زیرا جایگاه مهم ایران در جهان و منطقه غرب آسیا و اهمیتی که ایران برای کشورهای غربی دارد، موجب آن شده است که ایران همواره با تهدیدات امنیتی مواجه باشد. از جمله طرفه‌هایی که تهدید آن بر ضد ج.ا.ایران بسیار جدی می‌باشد، رژیم صهیونیستی است.

اینکه چگونه تهدید رژیم صهیونیستی برای ایران ایجاد شده و ادامه دارد، به تخاصم ایدئولوژیک و هویتی دو طرف بر می‌گردد. از زمان شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ بر اساس محور ایدئولوژیک (اسلام شیعی)، یک تقابل عمیق میان ج.ا.ایران و رژیم صهیونیستی صورت گرفته است. ج.ا.ایران در بدو تشکیل، خواستار نابودی اسرائیل و تشکیل یک دولت فلسطینی در کل سرزمین فلسطین گردید. این هدف در واقع موجب می‌شد که ج.ا.ایران با کشورهای عربی منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا از لحاظ ضدیت با اسرائیل در یک راستا قرار بگیرند. همچنین شعارهایی برای اقدام عملی بر ضد این رژیم صادر گردید و شعار "آزادی قدس" به شکل شعار محوری در سیاست خارجی ایران در آمد. در مجموع، سیاست خارجی ج.ا.ایران در منطقه و به‌ویژه در مورد رژیم صهیونیستی، جدا از ملاحظات سرزمینی و با ملاحظات دینی، انقلابی و ایدئولوژیک طراحی گردید؛ زیرا گفتمان سیاست خارجی ج.ا.ایران بر پایه انقلاب اسلامی، از عامل فرهنگی - دینی یا ایدئولوژیک تأثیر عمیقی پذیرفته است. دیدگاه استقلال طلبی و نفی سلطه، نفی برتری قومی و نژادی، تأکید بر وحدت مسلمانان، مظلوم محوری و حمایت قاطع از مظلومان و طرد نیروهای خارجی از منطقه، موارد این گفتمان است که رژیم صهیونیستی نیز بر اساس همین موارد، تهدیدی برای ج.ا.ایران به شمار می‌رود.

با توجه به تفاسیر ذکر شده، رژیم صهیونیستی، ج.ا.ایران را در تضاد با امنیت و منافع خود دیده است که در نتیجه آن، طی ۴ دهه اخیر تلاش داشته است تا به مقابله با ج.ا.ایران بپردازد. این تلاش‌ها باعث شده است تا رژیم صهیونیستی پیوسته یکی از تهدیدات جدی علیه ج.ا.ایران بوده و باشد. اما نوع تهدید این رژیم برای انقلاب اسلامی و ج.ا.ایران با توجه به تفاسیر فوق، با اکثر تهدیدات دیگری که علیه ج.ا.ایران وجود دارد، متفاوت است. در همین راستا، تهدید این رژیم علیه ج.ا.ایران در ۴ نوع تهدید که دارای ماهیت و ذات تقریباً مشابه هستند، تعیین و تعریف می‌شود:

۱- تهدید هویتی: فلسفه وجودی انقلاب اسلامی ایران منبعث از هویت آن یعنی اسلام است و رسالت فلسفه وجودی تقریباً ثابت است که بدون آن، دلیل وجودی خود را از دست می‌دهد. ج.ا.ایران نیز با پایه قرار دادن ارزش‌ها و باورهای اسلامی، به غیریت‌سازی هویت رژیم



صهیونیستی مبادرت کرده است که نتیجه آن، بر ملا شدن هویت غاصب، ظالم و نژادپرست این رژیم بوده که این امر ج.ا.ایران را در تقابل وجودی با آن قرار داده است. بر همین اساس، منابع هویتی ج.ا.ایران، نقش مؤثری در جهت‌گیری سیاست خارجی ایران در قبال رژیم صهیونیستی دارد. لذا اصولاً اعتقاد بر این است که رژیم صهیونیستی به عنوان یک تهدید هویتی برای ج.ا.ایران و انقلاب اسلامی است؛ چراکه اساساً دو هویت اصلی وجود دارد: محور حق و محور باطل. این دو محور به صورت مستمر در طول تاریخ در مقابل هم بوده‌اند. بنابراین تهدید رژیم صهیونیستی برای انقلاب اسلامی و ج.ا.ایران، تهدید هویتی است، زیرا رژیم صهیونیستی نیز در محور باطل و به عنوان یکی از اضلاع اصلی آن محور است.

۲- تهدید ایدئولوژیک: اسرائیل بالذات یک پدیده امنیتی برای ج.ا.ایران است و دارای دو نوع تهدید بالقوه است. الف) تهدید ایدئولوژیک: یعنی تا زمانی که نظام جمهوری اسلامی با برجاست، اسرائیل با این ایدئولوژی دشمن است. ب) تهدید منطقه‌ای یا سرزمینی: اسرائیل با داشتن سلاح اتمی و اقدام علیه منافع و امنیت ملی ج.ا.ایران یک تهدید است. اما باید توجه داشت که تهدید ایدئولوژیک به مراتب از هر تهدیدی بالاتر است. مثلاً پاکستان با داشتن سلاح هسته‌ای شاید تهدید سرزمینی باشد اما تهدید ایدئولوژیک نیست. اما فرقه درویش (گنابادی) از دهه ۷۰ شمسی به بعد به دلیل گرایش‌های قطب‌بینی این فرقه نسبت به مؤلفه‌های اصلی نظام ج.ا.ایران و انقلاب اسلامی همچون ولایت فقیه، به تهدید ایدئولوژیک تبدیل شده است.

غالباً تهدید رژیم صهیونیستی برای ایران در نزد بسیاری از تحلیلگران داخلی و خارجی، در سطح منطقه‌ای و سرزمینی تعریف می‌شود. اما باید توجه داشت که این سطح از تهدید، به مقابله‌گرایی با ایدئولوژی و ساختار سیاسی - ایدئولوژیک ج.ا.ایران مربوط می‌شود که رژیم صهیونیستی نیز به عنوان یک پدیده ایدئولوژیک اما نامشروع و جعلی دنبال می‌کند. این رژیم بر اساس آموزه‌های مربوط به صهیونیسم، یک تهدید ایدئولوژیک برای انقلاب اسلامی و ج.ا.ایران به شمار می‌رود. آنچه مسلم است انقلاب اسلامی ایران یک انقلاب دینی و ایدئولوژیک است که در سیر مراحل خود با مشکلات و موانعی برخورد کرده و می‌کند که به نوعی به ماهیت انقلاب اسلامی بر می‌گردد. تهدیداتی که از سوی دشمنان در عرصه‌های مختلف بر کشور تحمیل می‌گردد تا حدود زیادی بر همین ماهیت انقلاب اسلامی ایران استوار است. بر همین اساس، نوع تهدید پدیده‌ای کاملاً امنیتی همچون رژیم صهیونیستی برای ایران که دارای ماهیتی دینی و ایدئولوژیک است، بسیار

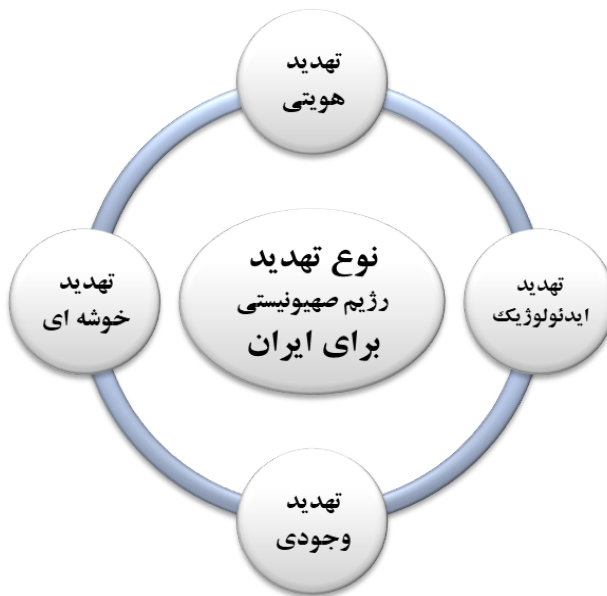


حائز اهمیت بوده و می‌تواند در تحلیل‌های امنیتی پیرامون این رژیم و نسبت تقابل و تخصیص با انقلاب اسلامی و ج.ا.ایران، راهنمای بسیار مفیدی واقع گردد.

۳- تهدید وجودی: تخصیص ایران و اسرائیل، بحث از عدم وجود است. این رژیم، وجود انقلاب اسلامی و ج.ا.ایران را نشانه رفته است و به کمتر از حذف این وجود نیز قانع نیست؛ زیرا وجود ایران اسلامی را برای وجود خود یک تهدید می‌داند. به همین دلیل این رژیم تلاش دارد ایران را به عنوان یک تهدید وجودی برای خود در عرصه منطقه و جهان معرفی می‌کند. (Hacohen, 2019: 1) از سوی دیگر، از آنجایی که اسرائیل در تمامی ابعاد پنج‌گانه (و یا حتی ابعاد بیشتر) تهدیدی برای ج.ا.ایران تلقی می‌شود، لذا نه تنها یک تهدید وجودی برای انقلاب اسلامی و حکومت جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌رود بلکه تهدیدی به مراتب بالاتر و مهمتر از تهدیدی وجودی است. در این راستا باید توجه داشت که تهدید اسرائیل علیه سرزمین ایران، وجودی تلقی نمی‌شود و مفهوم «وجودی» ناظر به انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی است؛ چرا که حتی با عدم حکومت جمهوری اسلامی، ایران قابل حذف نیست.

۴- تهدید خوشه‌ای: نوع تهدید رژیم صهیونیستی برای ج.ا.ایران، طی بیش از چهار دهه گذشته در سطوح سه‌گانه داخلی، منطقه و بین‌المللی و ابعاد مختلف نظامی، اقتصادی و ... کاملاً مشهود و دارای مصادیق متعدد است. به این نوع تهدید، «تهدید خوشه‌ای» می‌گویند. طبق تعریف آنتونی گیدنز<sup>۲</sup> تئوریسین این نوع تهدید، «اگر تهدیدات امنیتی در سطوح متنوع و چندگانه و ابعاد متعدد انجام گیرد، به آن تهدید خوشه‌ای اطلاق می‌شود.» (متقی، ۱۳۸۹: ۸). این نوع از تهدید، با توجه به تغییر سیر تهدیدات از سخت به نیمه سخت و نرم و همچنین ضرورت توجه به ابعاد جدید دشمنی ایران و رژیم صهیونیستی، بر اساس مؤلفه‌های جنگ نیمه سخت و نرم، بسیار مهم تلقی می‌شود.





شکل شماره ۱: نوع تهدید رژیم صهیونیستی برای ایران

به طور کلی مقابله با رژیم صهیونیستی به عنوان تهدیدی وجودی، جزئی از هویت ج.ا.ایران و برگرفته از ایدئولوژی انقلاب اسلامی است و در تمامی ابعاد و حوزه‌ها باید پدیدار شود. این هویت است که باعث تقابل راهبردی با رژیم صهیونیستی شده که در نتیجه آن، این رژیم نیز به وسیله عوامل مختلف سعی دارد به ایران به عنوان تهدید وجودی نگرسته و با آن مقابله کرده و در راستای تغییر رژیم در ایران و نابودی انقلاب اسلامی گام بردارد. (53: Winter, 2020-56) اما اکثر تحلیل‌های امنیتی پیرامون رژیم صهیونیستی در داخل ج.ا.ایران، بر اساس نگاه فوق نیست و سطح تهدید اسراییل علیه ایران را تا حد زیادی تنزل می‌دهند. این سطح نازل ارائه شده از تهدید این رژیم، تا حد زیادی نشأت گرفته از عدم شناخت کافی از پدیده‌ای کاملاً امنیتی همچون رژیم صهیونیستی است.

##### ۵- آسیب شناسی اصول و قواعد تحلیل‌های امنیتی در مورد رژیم صهیونیستی

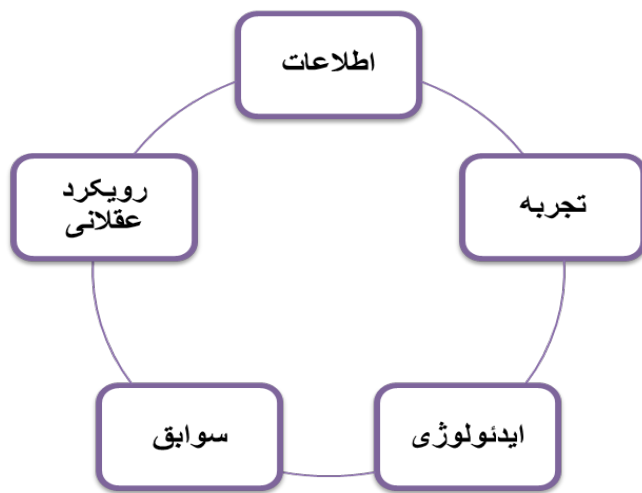
تحلیل امنیتی، باید تحلیلی راهگشا، در راستای حل مسئله، رفع موانع و توسعه عملکردهای موفق باشد. بر همین اساس، هر تحلیل امنیتی دارای اصول و قواعدی است که اگر از سوی تحلیلگران رعایت نگردد، به ضد تحلیل تبدیل می‌شود. ضد تحلیل در مباحث امنیتی عبارت است



از: «روایتی ناقص، ناقض و منحرف کننده از روند تحلیل که کالبدی تحلیلی ولی رویکردی تخریبی دارد.» (عصاریان نژاد، ۱۳۹۸: ۱۷). در اینجاست که باید با برخی سرنخ‌ها، ضد تحلیل را از تحلیل مشخص کرد. این سرنخ‌ها عبارتند از: روایت ناقص، ناقض و منحرف کننده.

بسیاری از تحلیل‌ها پیرامون پدیده‌ای همچون رژیم صهیونیستی نیز، که تهدیدی هویتی، ایدئولوژیک، وجودی و خوشه‌ای برای ج.ا.ایران به شمار می‌رود، دارای آسیب‌های فراوانی است که به نوعی ضد تحلیل به شمار می‌رود. این آسیب‌های اصول و قواعد تحلیل‌ها در مورد پدیده امنیتی رژیم صهیونیستی، به شرح ذیل می‌باشد:

۱- عدم دانش و شناخت تحلیلگر یا شخص تحلیل‌کننده: هر تحلیلگر برای تحلیل پدیده رژیم صهیونیستی و تهدید آن علیه ج.ا.ایران، باید دارای مؤلفه‌ها و ویژگی‌های ذیل باشد:



شکل شماره ۲: مؤلفه‌ها و ویژگی‌های تحلیلگر برای تحلیل پدیده رژیم صهیونیستی و تهدید آن علیه ج.ا.ایران

در صورت فقدان مؤلفه‌های فوق، تحلیل پدیده‌ای همچون رژیم صهیونیستی نوعی ضد تحلیل است. غالب تحلیل‌های تحلیلگران در داخل ایران پیرامون رژیم صهیونیستی و تهدید آن، کاملاً بر اساس عدم دانش و شناخت این رژیم است و به همین دلیل «ضد تحلیل عام» قلمداد می‌شود. ضد تحلیل عام دارای ویژگی‌های ذیل است:



- سلیقه‌ای: ضعف تجربه و بی‌توجهی به بازخوردها، در این ویژگی مدنظر است. در این ویژگی، فرد تحلیل‌کننده دارای سواد است اما دارای تجربه نیست. تخصص دارد، تجربه ندارد. یعنی تحلیل‌گر تخصص حوزه مطالعاتی رژیم صهیونیستی را دارد اما تجربه‌ای از این رژیم و اقدامات آن ندارد. به همین دلیل، تحلیلگر به پدیده فقط مکانیکی نگاه می‌کند و معتقد است که هر بار در هر پدیده‌ای نگاه مکانیکی می‌تواند کمک کنند.

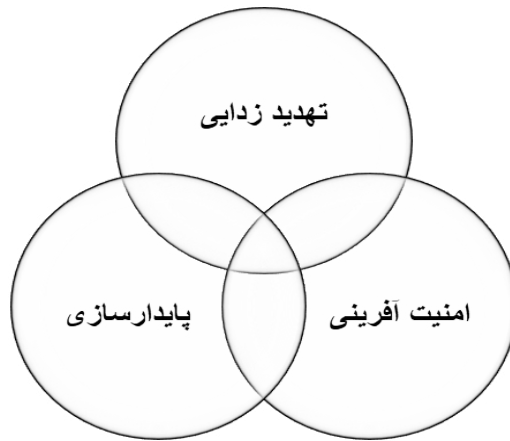
- ناکافی و غیر جامع: در این ویژگی، ضعف تخصص و مهارت‌ها مدنظر است. مثلاً پیرامون حوزه رژیم صهیونیستی، تحلیلگر اطلاعات ناکافی دارد و دارای عدم تخصص لازم است.

- سوگیرانه: در این راستا، در هنگام تحلیل، گرایش به منافع جناحی یا حزبی یا سیاسی مورد توجه قرار گرفته می‌شود و پدیده‌ای همچون رژیم صهیونیستی که تهدیداتش علیه ایران آظهر من الشمس است، بر اساس منافع حزبی و گرایشات سیاسی تحلیل می‌شود.

- غیر واقعی و ناکارآمد: ضعف منطق تحلیل در این ویژگی پررنگ است؛ بر همین اساس چارچوب تحلیلی، دارای منطق لازم و کارآمد نیست.

۲- پنهان‌کاری و بیان ناقص تحلیل: در تحلیل پدیده‌ای امنیتی همچون رژیم صهیونیستی، حیطه‌بندی و طبقه‌بندی، اموری صحیح است اما در حوزه تحلیل پنهان، امری مضر است. به نوعی، نیمی از تحلیل ارائه می‌شود و نیمی از آن پنهان می‌شود و می‌توان گفت نوعی بُخل اطلاعاتی وجود دارد. این آسیب تحلیلی، «ضد تحلیل خاص» نامیده می‌شود. البته باید توجه داشت که در حوزه تحلیل آشکار پدیده‌های امنیتی همچون رژیم صهیونیستی، طبقه‌بندی امری صواب است اما نباید به صورت مستمر صورت بپذیرد، چراکه ممکن است افکار عمومی از تهدیدات این رژیم علیه ایران ناآگاه باشند و خصومت مشروع ایران با این رژیم را زیر سؤال ببرند. در این راستا افشا و بیان اسناد امنیتی آشکار رژیم صهیونیستی می‌تواند کارساز باشد؛ اسنادی که طی سالهای اخیر منتشر شده است و در مورد تهدید ایران علیه این رژیم و چگونگی برخورد با این تهدید، کاملاً توضیحاتی ارائه داده است. (Eisenkot and 24-Siboni, 2019: 18)

۳- فاقد قابلیت امنیتی و جامعیت تحلیل: هر تحلیل امنیتی باید دارای قابلیت‌های سه‌گانه ذیل باشد:



شکل شماره ۳: قابلیت‌های تحلیل امنیتی

تحلیل بسیاری از تحلیلگران در داخل ج.ا.ایران نسبت به رژیم صهیونیستی و تهدیدات آن، به نوعی مؤلفه «تهدیدزدایی» برای امنیت ملی ایران به همراه داشته و دارد تا قابلیت «تهدیدزدایی». این آسیب تحلیلی، دقیقاً در نقطه‌ای به منصفه ظهور می‌رسد که این دسته از تحلیلگران، سطح تهدید رژیم صهیونیستی علیه منافع و کیان انقلاب اسلامی و ج.ا.ایران را تنزل داده و آن را یک تهدید معمولی جلوه می‌دهند و یا تهدید به آن اطلاق نمی‌کنند. همین امر موجب می‌شود تا قابلیت «امنیت آفرینی» تحلیل نیز، به مؤلفه «امنیت زدایی» مُبدل گردد.

۴- جا به جا سازی تهدیدات، ضعف‌ها و مراتب آن: در تحلیل‌های امنیتی، یکی از ضد تحلیل‌های شایع، جابه‌جا کردن تهدید با ضعف است. در تحلیل تهدیدات رژیم صهیونیستی، گاهی اوقات تهدید این رژیم علیه ایران، به عنوان ضعف ج.ا.ایران معرفی می‌شود. مثلاً هنگامی که از تهدید این رژیم علیه ایران و منافع آن سخن به میان می‌آید، برخی از تحلیلگران با نگاهی انتقادی معتقدند که اگر ایران علیه اسرائیل اقدام نکند، تهدیدات این رژیم نیز به خودی خود کأن لم یکن می‌شود. به عبارتی القا می‌کنند که تهدیدی از سوی رژیم نیست، بلکه ضعف ما در مدیریت و مهار اقدام علیه اسرائیل و تحریک آن است. مثالی واضح تر در حوزه فرهنگی، این آسیب تحلیلی را به خوبی اثبات می‌کند. مثلاً می‌گویند «تهاجم فرهنگی» نداریم و محور «تعامل فرهنگی» است و ما در تعامل فرهنگی ضعف داریم. دقیقاً اینگونه تهدید را با ضعف جا به جا می‌کنند.



۵- ایدئولوژی‌زدایی از یک پدیده و تهدید ایدئولوژیک: برخی از تحلیلگران داخلی با رویکرد تحلیلی خود، این‌گونه نشان می‌دهند که برای موفقیت در سیاست خارجی مثلاً در قبال پرونده فلسطین، باید از رویکردهای ایدئولوژیک عبور کرد. در این راستا، این جمله غالباً در جامعه داخلی ایران به گوش می‌رسد که می‌گویند «سیاست خارجی را باید خالی از هرگونه تعلق ایدئولوژیک در خدمت فرهنگ و امنیت ملی ایران قرار داد.» این سخن در خصوص لزوم ایدئولوژی‌زدایی از ساحت سیاست خارجی، مسئله تازه‌ای نیست و مدتهاست که شعار گذار از ایدئولوژی به مد غالب تحلیلگران جریان لیبرال در ایران بدل شده است. این نوع از تحلیلگران داعیه‌دار عملکردی و بی‌طرفی علمی هستند و هرگونه رویکرد ایدئولوژیک به پدیده‌های امنیتی را نادرست و زیانبار می‌دانند. این در صورتی است که این دسته از تحلیلگران، هنوز به تهدید ایدئولوژیک رژیم صهیونیستی کاملاً واقف نیستند و با این تهدید ایدئولوژیک را نادیده می‌گیرند.

اگر تحلیل‌گرانی از جنس فوق‌الذکر، به منابع اصلی علوم سیاسی و روابط بین‌الملل طی سال‌های اخیر مراجعه کنند و در جریان مناظرات اندیشمندان غربی روابط بین‌الملل باشند، بی‌تردید خواهند فهمید که ادعای علم غیرایدئولوژیک و خالی از ارزش نوعی توهم است؛ زیرا اگر ایدئولوژی را مجموعه‌ای نظام‌مند از باورها و اندیشه‌های ثابت بدانیم که بر تعیین سیاست یا موضع‌گیری پیروانش در مسائل سیاسی و اجتماعی مؤثر است، قطعاً لیبرالیسم، سکولاریسم، ناسیونالیسم و ... هم ایدئولوژی محسوب می‌شوند، زیرا نظامی از باورها مانند سرمایه‌داری، جدایی دین از سیاست و ... را در قالب یک تفکر تبلیغ و تحمیل می‌نمایند.

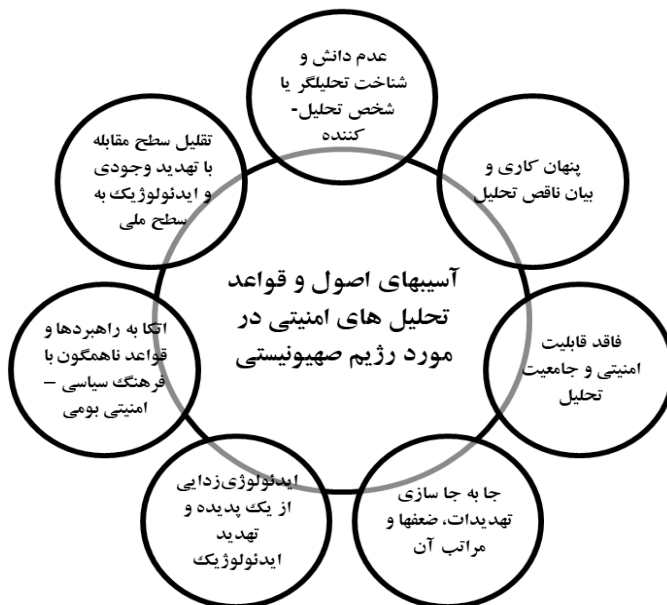
۶- اتکا به راهبردها و قواعد ناهمگون با فرهنگ سیاسی - امنیتی بومی: برخی از تحلیلگران هنگام تحلیل پدیده رژیم صهیونیستی، بر یک قاعده غربی با عنوان «دوست و دشمن ابدی در سیاست خارجی وجود ندارد» تأکید می‌ورزند. سپس مبتنی بر این گزاره، تجویز می‌کنند که طبق منافع ملی، هیچ طرف خارجی (که از سوی نهادهای قانونی بین‌المللی دارای مشروعیت رسمی است) تا ابد نمی‌تواند دوست یا دشمن باقی بماند و با توجه به شرایط زمانی و همچنین منافع ملی، باید مورد تجدیدنظر قرار گیرند. بر همین اساس، توصیه می‌کنند که دستگاه سیاست خارجی ج.ا.ایران نیز باید آمادگی و قابلیت مذاکره با همه طرفها را داشته باشد.

در پاسخ به این آسیب تحلیلی باید گفت که گزاره «فقدان دوست و دشمن ابدی» در رویکرد اسلامی هرگز قابل پذیرش نیست و مبانی امنیتی ج.ا.ایران نیز که نشأت گرفته از اسلام است، چنین قاعده‌ای را نمی‌پذیرد. رویکرد اسلامی، الگوی دوستی و دشمنی مسلمانان در عرصه سیاست خارجی را طبق آیه ۱ سوره ممتحنه به وضوح مشخص کرده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا



لا تَتَّخِذُوا عَدُوِّيَّ وَ عَدُوِّكُمْ اَوْلِيَاءَ تُلْفُونَ اِلَيْهِمْ بِالْمَوْدَةِ وَ قَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ». از سوی دیگر، باید توجه داشت که قاعده مذکور زمانی صحیح است و محقق می‌شود که دشمن مد نظر از تهدیدات و خصومت خود علیه ایران دست بردارد اما این مسئله نیز در مورد رژیم صهیونیستی صدق نمی‌کند، زیرا رژیم صهیونیستی دارای ماهیتی اشغالگر و غاصب و نامشروع است و مانند برخی طرفهای دیگر فقط دارای بُعد خصومت نیست.

۷- تقلیل سطح مقابله با تهدید وجودی و ایدئولوژیک به سطح ملی: برخی از تحلیلگران در تلاشند تا ژست غیرایدئولوژیک به خود گرفته و گرایش‌های تند ملی‌گرایانه در نگاه به پدیده‌های امنیتی خارجی داشته باشند. این رویکرد، سطح مقابله با تهدید امنیتی را تنها به مرزهای ملی و چارچوب جغرافیایی محدود می‌سازد. این در صورتی است که هم از منظر نظریه‌ها و مکاتب امنیتی مختلف و هم از نظر رویکرد اسلامی به طور ویژه، مقابله با تهدیدات امنیتی، محصور در مرزهای ملی نمی‌شود؛ حال چه برسد به تهدیدی همچون رژیم صهیونیستی که در سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی علیه ج.ا.ایران اعمال می‌شود. لذا ملی‌گرایی نمی‌تواند محدودکننده دامنه مقابله با یک تهدید وجودی و ایدئولوژیک همچون رژیم صهیونیستی شود.



شکل شماره ۴: آسیبهای اصول و قواعد تحلیل‌های امنیتی در مورد رژیم صهیونیستی



## ۶- تحلیل صحیح پدیده رژیم صهیونیستی و تهدیدات آن علیه ایران

با بررسی آسیب‌های اصول و قواعد تحلیل پدیده‌ای امنیتی همچون رژیم صهیونیستی و نوع تهدید آن علیه ج.ا.ایران، نکته‌ای که مورد توجه قرار می‌گیرد این است که تحلیل صحیح در مورد این رژیم چیست و چگونه باید باشد؟؟ در این راستا، باید آسیب‌های هفت‌گانه تحلیل که در بخش قبلی مورد بررسی قرار گرفت، مد نظر قرار گیرند و تکرار نشوند و از سوی دیگر، موارد ذیل در راستای تحلیل صحیح این پدیده امنیتی در دستور کار قرار گیرد:

۱- تحلیل ایدئولوژیک: این نوع از تحلیل، تحلیلی بر اساس تغییرات مفهومی و کارکردی از امنیت است که در بستر ایدئولوژی (مثلاً مقاومت، انقلاب اسلامی و ...) ایجاد می‌شود. از آنجا که رژیم صهیونیستی پدیده‌ای ایدئولوژیک است و تهدید آن علیه ج.ا.ایران نیز تهدید ایدئولوژیک قلمداد می‌شود، لذا این نوع از تحلیل پیرامون این رژیم، شاید بهترین نوع تحلیل باشد.

۲- پایدارسازی و پارادایم‌سازی شناختی: در این راستا باید شناخت از پدیده امنیتی، به صورت صحیح و در یک مسیر واقع‌گرایانه همراه با ارزش‌های پایدار و رویکرد آن تعریف و تبیین گردد. مثلاً در عرصه رژیم صهیونیستی و تهدیدات آن علیه ج.ا.ایران، باید چرایی دشمنی ایران با اسرائیل از طریق این پارادایم‌سازی شناختی تبیین گردد.

۳- عمومیت‌سازی و پیاده‌سازی فرهنگی شناخت: باید شناخت از پدیده‌ای امنیتی همچون رژیم صهیونیستی، عمومیت‌سازی و تبدیل به فرهنگ شود. این اقدام، سه پایه دارد:

۳-۱- توسعه و نهادینه‌سازی ابزارهای شناخت امنیت: در این راستا، باید در وهله اول تهدیدشناسی و حتی دشمن‌شناسی مد نظر قرار گیرد. در تعریف تهدید می‌توان عامل یا عواملی که امنیت ملی را هدف قرار می‌دهند و یک کشور را از دستیابی به اهداف، منافع و ارزش‌های خود باز می‌دارند، مورد توجه قرار داد و بر اساس آن، دشمن را در سطوح مختلف تصویر و ترسیم نمود. در وهله دوم نیز منفعت‌شناسی ملی مورد توجه باشد؛ یعنی باید توجه داشت چه چیزی باعث تأمین منافع ملی می‌شود. متأسفانه مقوله دشمن‌شناسی و تهدیدات رژیم صهیونیستی در محافل آکادمیک، رسانه‌ای و حتی ساختارهای ج.ا.ایران ضعف شدیدی دارد که باید نسبت بدان چاره‌ای جدی اندیشیده شود.

۳-۲- نهادینه‌سازی واکنش‌ها و کارکردهای شناختی: نهادینه‌سازی کارکردهای شناخت پدیده رژیم صهیونیستی در تمامی سطوح و در همه محافل ج.ا.ایران، می‌تواند منجر به «مشارکت امنیتی» به ویژه جامعه شود.



۳-۳- نهادهای سازی ایدئولوژی برپای امنیت: در این راستا سه مرحله مدنظر است:

- فلسفه سازی امنیت: گزاره «چرا باید با رژیم صهیونیستی دشمنی و چرا باید دوستی کنیم؟» در این مرحله اجرا می‌شود.
- کنش‌سازی جهانی و فراملی: ایدئولوژی باید کنش‌ساز باشد. این کنش‌سازی در مورد رژیم صهیونیستی نه تنها در سطوح فراملی و جهانی از سوی ایران با موانعی مواجه شده است، بلکه در عرصه داخلی نیز با آسیب‌هایی روبروست که باید رفع گردد.
- ترویج و حمایت‌گری: علی‌رغم رابطه ایدئولوژی و امنیت، اما باید پدیده امنیتی و تحلیل آن، دارای جذابیت ایدئولوژیک باشد تا زمینه ترویج آن فراهم گردد.

### نتیجه‌گیری

در دوران حکومت پهلوی، ایران بی‌توجه به ارزش‌های اسلامی و انسانی (که مخالفت با اسرائیل را ایجاب می‌نمود) و بیشتر بر اساس منافع رژیم پهلوی، به ایجاد و توسعه روابط با رژیم صهیونیستی پرداخت. اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی، سیاست‌های امنیتی و خارجی بر اساس معیارهای اسلامی و انسان‌دوستانه همچون آشکار بودن دشمنی اسرائیل، غضب سرزمین فلسطین، مخالفت با کلیه قطعنامه‌های بین‌المللی، نقض حقوق بشر، دشمنی با رویکردهای اسلامی و ... به مخالفت با این رژیم و مخالفت با وجود و مشروعیت آن مبادرت کرد و تداوم یافت. لذا یکی از نگرش‌های عمده ج.ا.ایران که شکل‌دهنده هویت آن بوده و هست، ضدیت با رژیم صهیونیستی است. به عبارت دیگر، اسلامیت نظام اسلامی با ضدیت با اسرائیل تعریف شده است. اما تحلیل ناصحیح پیرامون این پدیده امنیتی و تهدیدات آن علیه ایران و انقلاب اسلامی، به یکی از دغدغه‌های اصلی در این حوزه تبدیل گشته است.

نکته کلیدی در این است که شناخت تهدید علیه انقلاب اسلامی و ج.ا.ایران می‌تواند در حفاظت از رسالت اصلی خود بسیار مهم باشد. تهدید رژیم صهیونیستی نسبت به ج.ا.ایران، تهدید ایدئولوژیک، هویتی، وجودی و خوشه‌ای است. این نوع از تهدید، در ابعاد مختلف نظامی، اقتصادی و ... و سطوح متنوع ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی می‌باشد. به عنوان مثال، اسرائیل بزرگترین تهدید نظامی برای ایران در سطح منطقه محسوب می‌شود، مهمترین تهدید اطلاعاتی - امنیتی در سطح داخلی (با توجه به وجود شبکه‌های نفوذ و جاسوسی پیچیده و گسترده) به شمار می‌رود و ... حال با توجه به شناخت این تهدیدهای جدی اسرائیل نسبت به ج.ا.ایران، مسئله مهمتر، مقابله





با این تهدیدها و چگونگی تأمین امنیت کشور و انقلاب اسلامی است. برای حل این مسئله دو دیدگاه وجود دارد:

- **دیدگاه اول:** برخی معتقدند که ریشه همه تهدیدات رژیم صهیونیستی علیه ایران، بر اساس مشروعیت این رژیم و سیاست‌های منطقه‌ای آن می‌باشد. در صورتی که ایران اقدامی علیه این رژیم نداشته باشد، صهیونیستها نیز تهدیدی علیه ایران نخواهد داشت. بر اساس این تحلیل، چنین استدلال می‌شود که ایران و اسرائیل از لحاظ جغرافیایی از یکدیگر دور بوده و دارای تضاد جدی منافع نیستند. بنابراین بهتر است ایران از مخالفت با مشروعیت این رژیم و یا حتی المقذور از ادعای مربوط به لزوم نابودی آن منصرف شود. اما بدیهی است بر اساس ماهیت و ذات ج.ا.ایران چنین امری ممکن نیست. به عبارت دیگر، این دیدگاه بر این اساس قرار دارد که ج.ا.ایران از ماهیت خود تهی شود، زیرا عدم مخالفت و مقابله با رژیم صهیونیستی - حتی اگر درصدی به رسمیت شناختن آن هم بر نیاید - به معنای کوتاه آمدن از ماهیت ج.ا.ایران است. این دیدگاه و تحلیل‌های مبتنی بر آن، نوعی ضد تحلیل است.

- **دیدگاه دوم:** مبنای این دیدگاه، پذیرش واقعیت‌هاست، بدین معنا که ج.ا.ایران به‌عنوان یک حکومت دینی - مذهبی، هم دارای هویت ارزشی و هم دارای هویت سرزمینی است و می‌بایست هر دو را به شکل توأمان محفوظ بدارد. حال با توجه به این ماهیت دویعدی ایران، اسرائیل درصدی نابودی انقلاب اسلامی و تغییر رژیم در ایران است و لذا مهمترین تهدید امنیتی برای ج.ا.ایران به شمار می‌رود. به همین دلیل ج.ا.ایران باید به مقابله با تهدیدات رژیم صهیونیستی در تمامی سطوح و در همه ابعاد بپردازد.

با توجه به تمامی تفاسیر مذکور، ج.ا.ایران و رژیم صهیونیستی دارای دو ماهیت متناقض و متعارض بوده و امکان سازش میان آنها وجود ندارد؛ زیرا رژیم صهیونیستی به دلیل تضاد هویتی و ایدئولوژیک با انقلاب اسلامی ایران، به عنوان یک تهدید ایدئولوژیک، هویتی و وجودی برای انقلاب اسلامی ایران قلمداد می‌شود. از همین رو، نباید تحلیل پیرامون این پدیده ویژه و حساس امنیتی، بر اساس پارادایم‌ها و نظریه‌های غربی باشد. با اینکه نظریه‌های غربی به عنوان نظرات علمی قابل اهمیت است، اما این نظرات برای تحلیل متناسب و ارائه مدل امنیتی و تهدیدی، نمی‌تواند برای انقلاب اسلامی و ج.ا.ایران صادق باشد، زیرا که ماهیت انقلاب اسلامی بسیار متفاوت از ماهیت نظام‌های غربی است. لذا شناخت و تحلیل این پدیده امنیتی، باید کاملاً بر اساس رویکرد اسلامی - ایرانی باشد تا مسیر برای مقابله با تهدیدات آن نیز هموار شود.

## فهرست منابع:

۱. احمدیان، علی اکبر (تابستان ۱۳۹۴). **تهدید شناسی از منظر رهبران انقلاب اسلامی ایران**، مجله سیاست دفاعی، شماره ۹۱، صفحه ۹-۳۹.
۲. اسکندری، حمید (۱۳۹۰). **تهدید نرم - جنگ نرم**، انتشارات بوستان حمید، چاپ اول، تهران.
۳. افتخاری، اصغر (۱۳۸۵). **کالبد شکافی تهدید**، دانشگاه امام حسین (ع)، چاپ اول، تهران.
۴. برزگر، کیهان و قاسمی، مهدی (۱۳۹۲). **استراتژی تهدید وجودی اسرائیل و امنیت ملی ایران**، فصلنامه روابط خارجی، سال پنجم، شماره ۱.
۵. **رویکردهای نوین تهدید شناسی**، پایگاه اینترنتی پایداری ملی:
۶. <https://paydarymelli.ir/fa/news> /۱۹۰۲۶/رویکردهای نوین-تهدیدشناسی-قسمت-اول
۷. عبدالم... خانی، علی (۱۳۸۶). **تهدیدات امنیت (شناخت و روش)**، انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران، تهران.
۸. عساریان نژاد، امیر حسین (۱۳۹۸). **روش شناخت و تحلیل امنیت**، دانشکده امنیت ملی - دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران.
۹. متقی، ابراهیم (پاییز ۱۳۸۹). **گونه شناسی تهدیدهای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران**، فصلنامه آفاق امنیت، سال سوم، شماره هشتم، تهران.
۱۰. نیکو، حمید و سویلمی، مرتضی (بهار ۱۳۹۶). **جایگاه برنامه هسته ای ایران در دکترین امنیتی رژیم صهیونیستی**، فصلنامه مطالعات روابط بین الملل، سال دهم، شماره ۳۷.
۱۱. جعفرزاده، امید و آذین، احمد و جعفری نژاد، مسعود (زمستان ۱۳۹۷). **تهدیدات اسرائیل و راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در مقابله با آن**، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، شماره ۴۵، دوره ۱۴.
12. Hacothen, Gershon, **Israels New Existential Challenge**, BESA Center, September 4, 2019, Tel Aviv – Israel.



13. Eisenkot, Gadi and Gabi Siboni, **Israels National Security Strategy**, The Washington Institute for Near East Policy, October 2019, Washington DC – USA.
14. **Might at a Critical Moment**, JISS Institute, September 2019, Jerusalem – Israel.
15. Winter, Ofir, **Existential Threat Scenarios to the State of Israel**, The Institute for National Security Studies (INSS), Memorandum No. 203, September 2020, Tel Aviv – Israel.

